

An Analysis of the Imperative and Prohibitive Styles in the *Āyāt al-Aḥkām* Related to *Jihād*: A Political and Social Approach

Zeynab Mosleh¹ , Ebrahim Zarei-Far², Safdar Shaker³

¹ Ph.D. Candidate, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Fa.C., Islamic Azad University, Fasa, Iran.
ze.mosleh@iau.ac.ir

² Department of Arabic Language and Literature, Fa.C., Islamic Azad University, Fasa, Iran (**Corresponding author**). zareifar@yahoo.com

³ Department of Arabic Language and Literature, Fa.C., Islamic Azad University, Fasa, Iran.
mahralthahr8@gmail.com

Abstract

This article analyzes the political approach of the Noble Qur'an and the influence of the imperative and prohibitive rhetorical styles in the *Āyāt al-Aḥkām* concerning *Jihād*. The primary objective of this research is to elucidate the human, social, and political relationships reflected in the verses on *Jihād* and to examine the impact of these rhetorical forms on political and social decision-making during the lifetime of the Prophet (PBUH) and thereafter. The findings indicate that the verses concerning *Jihād*, particularly those found in *Sūrat Baqarah*, *Sūrat Āl 'Imrān*, and *Sūrat Tawbah*, are structured in a manner that emphasizes the ethical and social dimensions of *Jihād* alongside its military aspects. The imperative and prohibitive styles employed in these verses not only convey divine commands but also communicate secondary meanings concerning justice, the pursuit of truth, and the defense of the oppressed. This approach reminds Muslims that *Jihād* extends beyond a purely military concept and is presented as a means of realizing justice and establishing social balance. The study employs analytical and exegetical methods to examine the relevant Qur'anic verses. Drawing upon authoritative Qur'anic commentaries such as *al-Mizān* by 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī and *Majma' al-Bayān* by al-Ṭabrisī, the findings demonstrate that *Jihād* in the Qur'an is defined not merely as physical combat but as an endeavor to uphold human rights, defend the *mustaḍ'afūn* (the oppressed), and establish social justice. The Qur'anic verses indicate that *Jihād* serves as an instrument for the realization of justice and the protection of the rights of the oppressed rather than merely constituting a military action. More broadly, a deeper understanding of the secondary meanings conveyed through the imperative and prohibitive styles of the Qur'an can contribute to the establishment of social and political institutions founded upon justice and peaceful coexistence. Such an approach can provide a basis for constructive dialogue among different religious schools and cultures while fostering a more profound understanding of the humanistic and ethical principles underlying *Jihād*. Ultimately, these findings may contribute to the promotion of security, peace, and friendship among diverse societies and offer a model for policymaking grounded in both Islamic and humanitarian principles. By emphasizing the ethical and social dimensions of *Jihād*, this article contributes to a deeper understanding of Qur'anic concepts and their application within contemporary societies.

Keywords: *Āyāt al-Jihād*; Political Approach; Imperative and Prohibitive Styles; Political Decision-Making; *Āyāt al-Aḥkām*.

Received: 2025-05-17 ; Received in revised form: 2025-07-04 ; Accepted: 2025-08-05 ; Published online: 2025-12-26

<https://doi.org/10.22034/sm.2026.2049311.2273>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



تحلیل اسلوب‌های امر و نهی در آیات الاحکام مرتبط با جهاد: رویکردی سیاسی و اجتماعی

زینب مصلح^۱، ابراهیم زارعی‌فر^۲، صفدر شاکر^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. ze.mosleh@iau.ac.ir
^۲ گروه زبان و ادبیات عرب، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران (نویسنده مسئول). ebrahim.zareifar@yahoo.com
^۳ گروه زبان و ادبیات عرب، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. mahralghahr8@gmail.com

چکیده

این مقاله به تحلیل رویکرد سیاسی قرآن کریم و تأثیر اسلوب‌های امر و نهی در آیات جهاد می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، تبیین روابط انسانی، اجتماعی و سیاسی در آیات جهاد و بررسی تأثیرات این اسلوب‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی در زمان پیامبر(ص) و پس از آن است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیات جهاد، به‌ویژه در سوره‌های بقره، آل عمران و توبه، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی جهاد را در کنار ابعاد نظامی آن برجسته کنند. اسلوب‌های امر و نهی در این آیات، نه‌تنها به بیان دستورات الهی کمک می‌کنند، بلکه معانی ثانویه‌ای را در خصوص عدالت، حق‌طلبی و دفاع از مظلومان مطرح می‌سازند. این رویکرد به مسلمانان یادآوری می‌کند که جهاد فراتر از یک مفهوم نظامی است و به عنوان ابزاری برای تحقق عدالت و برقراری توازن اجتماعی معرفی می‌شود. در این پژوهش، از روش‌های تحلیلی و تفسیری برای بررسی آیات جهاد استفاده شده است. با استناد به تفاسیر معتبری مانند المیزان (علامه طباطبائی) و مجمع البیان (طبرسی)، نتایج نشان می‌دهد که جهاد در قرآن نه‌تنها به معنای مبارزه فیزیکی، بلکه به عنوان تلاشی برای احقاق حقوق انسانی، دفاع از مستضعفان و ایجاد عدالت اجتماعی تعریف شده است. آیات قرآن نشان می‌دهند که جهاد در قرآن، ابزاری برای تحقق عدالت و دفاع از حقوق مظلومان است، و نه صرفاً یک اقدام نظامی. به‌طور کلی، فهم عمیق‌تر از معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی در قرآن می‌تواند به ایجاد نهادهای اجتماعی و سیاسی براساس عدالت و همزیستی مسالمت‌آمیز کمک کند. این رویکرد می‌تواند زمینه را برای گفت‌وگوهای سازنده میان مذاهب و فرهنگ‌ها فراهم آورد و به درک بهتر از اصول انسانی و اخلاقی جهاد کمک کند. در نهایت، این یافته‌ها می‌توانند به برقراری امنیت، صلح و دوستی در جوامع مختلف منجر شوند و الگویی برای سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر اصول اسلامی و انسانی ارائه دهند. این مقاله با تأکید بر ابعاد اخلاقی و اجتماعی جهاد، گامی در جهت درک عمیق‌تر از مفاهیم قرآنی و کاربرد آن‌ها در جوامع معاصر برداشته است.

واژه‌های کلیدی: آیات جهاد، رویکرد سیاسی، اسلوب‌های امر و نهی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی، آیات‌الاحکام.

استناد به این مقاله: مصلح، زینب؛ زارعی‌فر، ابراهیم؛ شاکر، صفدر (۱۴۰۴). تحلیل اسلوب‌های امر و نهی در آیات‌الاحکام مرتبط با جهاد: رویکردی

سیاسی و اجتماعی. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۴): ۲۴۵-۲۶۰. <https://doi.org/10.22034/sm.2026.2049311.2273>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ ؛ **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۴/۱۳ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ ؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

در یک قرن اخیر، مطالعه و تفسیر آیات قرآن به‌ویژه آیات مرتبط با جهاد، به موضوعی محوری در مطالعات اسلامی تبدیل شده است. جهاد به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در قرآن، نه تنها جنبه‌های نظامی و دفاعی را دربرمی‌گیرد، بلکه دارای بُعدی سیاسی و اجتماعی عمیق نیز است. آیات جهاد در قرآن، از قبیل آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، اغلب به تحلیل‌های عمیق‌تری نیاز دارند که بتوانند معانی ثانویه آن‌ها را در ارتباط با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی درک کنند (کریمی و بخشی، ۱۳۹۹). پژوهش حاضر به تحلیل معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی در آیات الاحکام مرتبط با جهاد پرداخته و درصدد است تأثیر این اسلوب‌ها بر ارتباطات سیاسی در قرآن را بررسی کند. در حالی که معانی اولیه این اسلوب‌ها ممکن است در قالب دعوت به جهاد و مقابله با دشمنان ظاهر شوند، معانی ثانویه آن‌ها می‌تواند جنبه‌های پیچیده‌تر و عمیق‌تری از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی را آشکار کنند. برخی از این معانی ثانویه شامل انگیزه‌های اجتماعی، مشروعیت‌بخشی به اقدامات سیاسی و نظامی، و تأثیر بر روابط میان مسلمانان و غیرمسلمانان است. تحلیل معانی ثانویه در آیات جهاد، نه تنها به فهم بهتر معنا و مفهوم جهاد کمک می‌کند، بلکه این امکان را می‌دهد که به درک عمیق‌تری از تعاملات انسانی در جامعه پرداخته شود. برای مثال، آیات جهاد می‌توانند محملی برای بررسی آرمان‌ها و الزامات اجتماعی باشند که در قرآن مطرح شده است. این امر کمک می‌کند تا هدف اصلی جهاد که نه تنها دفاع از دین، بلکه احقاق حقوق بشر و برقراری عدالت اجتماعی است، به‌خوبی درک شود.

در پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل اسلوب‌های امر و نهی در آیات جهاد، تلاش شده تا به تبیین ابعاد سیاسی این مفاهیم پرداخته شود. هدف این تحقیق، تحلیل معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی در آیات جهاد و بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی این معانی در جوامع اسلامی است. سوال اصلی پژوهش این است که نقش معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی در آیات جهاد در شکل‌دهی به گفتمان‌های سیاسی و مقاومت در برابر ظلم و استبداد چگونه است؟

۲. ادبیات تحقیق

ادبیات تحقیق در زمینه تحلیل معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی در آیات الاحکام مرتبط با جهاد، به بررسی ابعاد مختلف این موضوع و ارتباط آن‌ها با رویکردهای اجتماعی و سیاسی در قرآن می‌پردازد. مفهوم جهاد نه تنها به معنی مبارزه نظامی و دفاع از سرزمین است، بلکه در بافت اجتماعی و اخلاقی دینی نیز معنا

پیدا می‌کند. به‌علاوه، فرهنگی که آیات قرآن در آن شکل گرفته‌اند، درک ما از جهاد و اسلوب‌های مربوط به آن را به شکل عمیقی تحت تأثیر قرار می‌دهد (پورفرد، ۱۳۹۲: ص ۳۲). در نتیجه، بررسی معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی در آیات جهاد می‌تواند به فهم بهتری از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی منجر شود. تحقیقات مختلف در این زمینه به این نکته اشاره دارند که اسلوب‌های امر و نهی در قرآن، ابزاری قوی برای هدایت جامعه و تعیین اهداف اجتماعی و سیاسی هستند. به‌عنوان نمونه، علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» بر این نکته تأکید می‌کند که هر امر و نهی در قرآن با هدف خاصی صادر شده و نه تنها به دستورهای ظاهری محدود نمی‌شود، بلکه شامل معانی عمیق‌تر و ثانویه‌ای است که می‌تواند پیامدهای اجتماعی و سیاسی داشته باشد. از سوی دیگر، ارتباط میان آیات جهاد و حقوق بشر نیز از موضوعات مهم در این حوزه به‌شمار می‌رود. برخی محققان بر این باورند که جهاد با مفهوم عدالت و حفاظت از حقوق بشری گره خورده است، و این نوعی توازن میان جنبه‌های نظامی و انسانی جهاد به‌شمار می‌رود (قاضیان و ذوقی، ۱۳۹۹: ص ۶۲). این دیدگاه تأکید می‌کند که جهاد تنها به مقابله با دشمنان محدود نمی‌شود، بلکه شامل احقاق حقوق مستضعفین و حمایت از مظلومان نیز می‌شود. از این‌رو، تحلیل معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی می‌تواند به ما در درک عمیق‌تری از ابعاد انسانی جهاد کمک کند. برخی پژوهشگران به بررسی تفسیر قرآنی جهاد به شیوه‌ای عمیق‌تر به منظور حل کنکاش‌های پیچیده‌ای در زمینه دین و سیاست پرداخته‌اند. به‌ویژه در شرایط کنونی که دنیای اسلام با چالش‌های جدی روبرو است، تحلیل معانی ثانویه در آیات جهاد می‌تواند به پیدا کردن راهکارهای موثر برای تعادل میان دین و سیاست یاری رساند (ملکی، ۱۳۹۸: ص ۱۴۶). این تحلیل می‌تواند منجر به ایجاد یک رویکرد جامع‌تر به مسائل سیاسی و اجتماعی شود که با اصول اسلامی همخوانی دارد. به‌علاوه، مطالعات اخیر نشان می‌دهد که بافت زمانه و مکانی که آیات نازل شده‌اند، تأثیر زیادی بر فهم ما از این آیات دارد. مفسران اسلامی به‌ویژه در دوره‌های تاریخی مختلف، در تفسیر آیات جهاد از زاویه‌های گوناگونی نگریسته و هرکدام بنا به شرایط اجتماعی و سیاسی زمان خود، تفسیرهای متفاوتی ارائه داده‌اند (عبداللهیان، ۱۳۹۵: ص ۱۸۴). در نهایت، تحقیقات در این زمینه به اهمیت ادغام تحلیل اسلوب‌های امر و نهی با رویکردهای سیاسی و اجتماعی تأکید دارند.

از این‌رو، بررسی متون مختلف و تحلیل دقت نظر در استفاده از آیات جهاد می‌تواند به درک بهتری از ابعاد سیاسی و اجتماعی قرآن بینجامد. این ادبیات تحقیق امکان می‌دهد که با دیدی جدید به موضوع جهاد و معنای آن در بافت اجتماعی و سیاسی مسلمانان نگریسته و درک جامع‌تری از اصول اسلامی در این زمینه حاصل شود.

۳. روش پژوهش

این تحقیق با هدف تحلیل متن و رویکرد تفسیری، با بررسی اسلوب‌های امر و نهی در آیات جهاد و بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن‌ها، از یک روش ترکیبی استفاده کرده است. مراحل و روش‌های به‌کار گرفته‌شده شامل تحلیل متنی است. هدف، شناسایی و تحلیل آیات قرآن کریم بوده که به جهاد و اسلوب‌های امر و نهی مربوط می‌شوند. در این مرحله، آیات مرتبط با جهاد از سوره‌های مختلف قرآن استخراج و مورد تحلیل قرار گرفتند. این تحلیل شامل بررسی معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌ها، تفسیر آیات و استخراج معانی ثانویه مرتبط با ابعاد سیاسی و اجتماعی بود. از تفاسیر معتبر قرآن مانند «تفسیر المیزان» (علامه طباطبایی)، مجمع البیان (طبرسی) و الکشاف (زمخشری) به عنوان منابع اصلی استفاده شد. همچنین، منابع علمی و لغوی برای درک بهتر معانی و مفاهیم واژه‌ها مورد استفاده قرار گرفتند.

۴. مفهوم جهاد در قرآن

مفهوم جهاد در قرآن یکی از محوری‌ترین عناوین در مطالعات اسلامی است که به بررسی ابعاد مختلف آن در چهارچوب آموزه‌های دینی و اصول اخلاقی می‌پردازد. جهاد به معنای کوشش و تلاش در راه خدا، به ویژه در زمینه دفاع از دین و حقوق بشر، در قرآن کریم به گونه‌ای گسترده و جامع مطرح شده است. این مفهوم نه تنها به جنبه‌های نظامی و نظام‌مند آن اشاره دارد، بلکه شامل تلاش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۳۸). مفهوم جهاد در قرآن به ویژه در آیات الاحکام، تأکید زیادی بر نقش آن در زندگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان دارد. جهاد به عنوان یک فریضه اسلامی، در آیات متعددی ذکر شده و جنبه‌های مختلف آن به ویژه در شرایط خاص و به عنوان یک پاسخ به تهدیدات بیرونی و درونی بررسی گردیده است. از جمله آیات مهم در این زمینه، آیه ۱۹۰ سوره بقره است که می‌فرماید: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم» (بقره: ۱۹۰). در این آیه، جهاد به عنوان یک فریضه الهی مطرح می‌شود که هدف آن دفاع و احقاق حق است. بسیاری از محققان و مفسران، به ویژه در تفسیر آیات جهاد، به ارتباط این مفهوم با اصول اخلاقی و عدالت اجتماعی اشاره دارند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵). به عنوان مثال، «تفسیر المیزان» اثر علامه طباطبایی به این نکته تأکید می‌کند که جهاد تنها در قالب جنگ و نزاع نیست، بلکه شامل هر تلاشی برای برقراری عدالت و امنیت در جامعه اسلامی نیز می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). این نگرش، نشان‌دهنده عمق مفهوم جهاد و ارتباط آن با سایر اصول اسلامی است. از سوی دیگر، آیات الاحکام در قرآن، نقش جهاد را به عنوان یک دستور شرعی و اسلامی مشخص می‌کنند. مفهوم جهاد در قرآن به دور از خشونت‌ورزی و افراط‌گرایی تعریف شده

است. بسیاری از آیات بر این نکته تصریح دارند که جهاد باید براساس اصول اخلاقی و انسانی انجام شده و هدف آن، دفاع از حق و عدالت باشد (قیصری، ۱۴۰۳). در نهایت، مفهوم جهاد در قرآن با تأکید بر ابعاد انسانی و اجتماعی، نه تنها به عنوان یک ضرورت دینی، بلکه به عنوان یک مفهوم کلیدی در استقرار اخلاق و عدالت در جوامع اسلامی معنا پیدا می کند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۵).

۵. تحلیل اسلوب های امر و نهی

مجاز یا معنی ثانویه در اصطلاح معنایی است که متکلم لفظ را در آن به کار می برد، اما در اصل برای آن معنا وضع نشده، بلکه دربردارنده معنی جدیدی است که به وسیله قراین مختلف فهمیده می شود. این پدیده یکی از وجوه بلاغت در کلام است که در آن متکلم از به کار بردن الفاظ صریح خودداری نموده و مطلب را به طور غیرمستقیم القاء می کند، چراکه تاثیر مضاعفی در مخاطب دارد. قرآن از این شیوه ادبی، برای تأکید بر غفلت انسان از مقام قرب پروردگار و آیات الهی و همچنین برای جلب توجه عموم مردم و تشویق آنان به انجام و امتثال اوامر استفاده کرده است. استفاده از معانی مجازی، در ادبیات پیش از نزول قرآن هم رایج بوده است، ولی قرآن کریم آن را به گونه ای به کار برده که معانی بسیار در قالب الفاظی اندک جای گرفته اند. تحلیل اسلوب های امر و نهی در قرآن یکی از جنبه های مهم تفسیر متون دینی است که به فهم عمیق تر آموزه های اسلامی منجر می شود. این اسلوب ها نه تنها به بیان دستورات الهی کمک می کنند، بلکه با تأکید بر معنای ثانویه آن ها، می توانند نشان دهنده ابعاد اجتماعی و سیاسی جهاد نیز باشند. اسلوب های امر و نهی تأثیر عمیقی بر تفسیر جهاد دارند. بلکه نیازمند شرایط خاص، عدالت در جنگ است. در واقع، جهاد فراتر از یک اقدام نظامی محض بوده و تحقق آن نیازمند پیش شرط های ویژه ای، به ویژه رعایت عدالت در نبرد است. برای نمونه، آیه ۱۹۰ سوره بقره که به جنگ در راه خدا اشاره می کند، به صراحت بر لزوم رعایت انصاف و عدم تجاوز به حقوق دیگران تأکید دارد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْقَهُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰). این اسلوب امر و نهی، نه تنها به مسلمانان می آموزد که چگونه در جنگ رفتار کنند، بلکه بر تبیین فلسفه جهاد براساس عدالت و احقاق حق نیز تأکید دارد. این تجزیه و تحلیل کمک می کند تا پیروان قرآن به درک این حقیقت برسند که جهاد نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک تلاش مشترک برای برقراری عدالت و حفظ حقوق بشری است. بنابراین، بررسی دقیق تر و جامع تر اسلوب های امر و نهی در آیات قرآن، نه تنها چشم انداز فکری و معنوی جهاد را روشن می کند، بلکه ابعاد اجتماعی و سیاسی آن را نیز بازتاب می دهد و در نهایت به ارتقاء فهم دینی و اخلاقی مسلمانان کمک می کند.

۵-۱. تبادل اسلوب با اسالیب دیگر

۵-۱-۱. فعل مضارع در معنای امر

برخی مواقع، اسلوب امر جای خود را به اسالیب دیگری مانند خبر می‌دهد و در مقابل، اسالیب دیگری نظیر فعل مضارع و جمله خبری نیز بر معنای امر دلالت می‌نمایند. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۱۱۱)، «خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده که در برابرش بهشت برای آنان باشد؛ به این صورت که در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به دادوستدی که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ». حسینی همدانی می‌گوید: «آیه شریفه بر تشویق و ترغیب به جهاد و مبارزه با دنیای شرک اشاره دارد؛ چنانچه مؤمنان در دعوت به توحید و نشر دین اسلام با کفار و بت‌پرستان مبارزه کرده و کشته شوند، یا مالی را در راه سپاه اسلام به مصرف برسانند. خداوند در قبال پذیرش جان و اموال مؤمنان، پاداش بهشت جاودان به آنها می‌دهد که این پیمان در کتب مقدس نیز آمده است. همچنین این دادوستد را مورد بشارت قرار داده که پیروزی بزرگی را به همراه دارد» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ج ۸، ص ۱۲۲). «فعل «يُقَاتِلُونَ» که فعلی مضارع است، بنابر نظر برخی از مفسرین، در معنای امر به‌کار رفته که دستور می‌دهد باید مبارزه کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۱۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۸۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۶، ص ۱۵۱؛ ابی مسعود، ۱۹۸۳م: ج ۴، ص ۱۰۵). در آیه ۱۱۱ سوره توبه، مفهوم قتال در راه خدا، از طریق فعل مضارع «يُقَاتِلُونَ» به معنای امر، خطاب به مؤمنان منتقل می‌شود. این آیه بر اهمیت جهاد و مبارزه با کفر و شرک تأکید دارد و به‌نوعی مؤمنان را به عملی فعال در جهت ترویج توحید و عدالت فرامی‌خواند. درواقع، استفاده از فعل مضارع با بار معنایی امر، نشان‌دهنده الزامی بودن این اقدام در برابر دشمنان دین است. این رویکرد نه‌تنها به تشویق معنوی مؤمنان کمک می‌کند، بلکه بیانگر نوعی قرارداد و پیمان با خدا است که پاداش آن، بهشت جاودان و پیروزی بزرگ خواهد بود. بدین ترتیب، آیه به مؤمنان یادآوری می‌کند که وفای به عهد الهی امری ضروری و مقدس است.

۵-۱-۲. فعل نفی در معنای نهی

گاهی اسلوب نهی مانند امر، در ظاهر نهی است، ولی برای اسلوب‌های دیگر به کار برده می‌شود و برعکس؛ گاهی اوقات فعل نفی بر معنای نهی به‌کار می‌رود؛ مانند: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ

مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲)، «شایسته نیست مؤمنان همگی به سوی میدان جهاد کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند و طایفه‌ای در مدینه بماند تا در دین و معارف و احکام اسلام آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را بیم دهند؟! شاید از مخالفت فرمان پروردگار بترسند و خودداری کنند». آیه زمانی نازل شده که پیامبر (ص) هنگامی که به سوی میدان جهاد حرکت می‌کرد، همه مسلمانان به استثنای منافقان در خدمتش حرکت می‌کردند؛ حتی در جنگ‌هایی که پیامبر (ص) شخصاً شرکت نمی‌کرد، همگی به سوی میدان می‌رفتند و پیامبر (ص) را تنها می‌گذاشتند. بنابراین، آیه نازل شد و اعلام کرد که در غیر ضرورت، شایسته نیست همه مسلمانان به سوی میدان جنگ روانه شوند. علامه طباطبائی می‌گوید: «آیه شریفه در این مقام است که مؤمنین سایر شهرها را نهی کند از اینکه تمامی‌شان به جهاد بروند، بلکه باید یک عده از ایشان به مدینه‌الرسول آمده، احکام را از آن جناب بیاموزند و عده دیگری به جهاد بروند» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۴۰۳). در این آیه فعل نفی «ماکان» در آغاز آیه دلالت بر نهی می‌کند و معنای عبارت اینگونه می‌شود: «مؤمنان نباید کوچ کنند». همچنین طبرسی بیان می‌کند که این جمله به صورت نفی است، ولی معنای آن نهی هست؛ یعنی مؤمنان نباید همگی به سوی جهاد رفته و پیغمبر را تک و تنها بگذارند (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ص ۱۲۶). بنابراین، فعل نفی، دلالت بر معنای نهی می‌کند.

۶. رویکرد سیاسی قرآن

رویکرد سیاسی قرآن به‌ویژه در زمینه جهاد، ابعادی پیچیده و چندگانه دارد که به بررسی روابط انسانی، اجتماعی و سیاسی در آیات جهاد پرداخته و تأثیر اسلوب‌های امر و نهی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی در زمان پیامبر (ص) و پس از او را تحلیل می‌کند. قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت، نه‌تنها اصول دینی و اخلاقی را تبیین می‌کند، بلکه رویکردی کلیدی به روابط سیاسی و اجتماعی در جامعه اسلامی دارد.

۶-۱. تبیین روابط انسانی، اجتماعی و سیاسی در آیات جهاد

آیات جهاد در قرآن به‌طور مستقیم و ضمنی به اصول و ارزش‌های انسانی اشاره دارند که پایه‌گذار روابط اجتماعی و سیاسی در میان مسلمانان هستند. قرآن به تأکید بر حق‌طلبی و دفاع از مظلومان، مفهوم جهاد را فراتر از یک مبارزه فیزیکی در زمینه‌های انسانی و اجتماعی تبیین می‌کند (کریمی و بخشی، ۱۳۹۹).

۶-۲. تأثیر اسلوب‌های امر و نهی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی

در بررسی اسلوب‌های امر و نهی در قرآن، می‌توان به مؤلفه‌های تأثیرگذار آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی در زمان پیامبر (ص) و پس از آن پی برد. اسلوب‌های ضمنی می‌توانند با قوه استدلال و تفکر در میان مسلمانان، بینش سیاسی را ارتقاء دهند. این نوع از اسلوب‌ها به ایجاد درک عمیق‌تری از شرایط و محتوای سیاست اسلامی و رابطه‌اش با آموزه‌های دینی کمک می‌کنند. رویکردهای توصیه‌ای نیز با تأکید بر اصول اخلاقی و انسانی، به اتخاذ تصمیمات سیاسی مناسب و اخلاقی در جامعه اسلامی می‌پردازند. این اسلوب‌ها با تکیه بر تعامل انسانی و مسئولیت اجتماعی، به مسلمانان یادآوری می‌کنند که در هر اقدام سیاسی و اجتماعی، باید به موازین اخلاقی پایبند باشند (عبداللهیان، ۱۳۹۵).

۷. تحلیل نمونه‌های موردی

تحلیل نمونه‌های آیات جهاد در قرآن به ما کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از رویکرد سیاسی قرآن و تأثیر آن بر روابط انسانی، اجتماعی و سیاسی پیدا کنیم. در زمان نزول آیات جهاد، شرایط تاریخی و اجتماعی خاصی برای مسلمانان وجود داشت. در این شرایط، آیات جهاد به عنوان دستوری الهی به مسلمانان ارائه شد، تا نه تنها از خود دفاع کنند، بلکه برای حفظ دین و گسترش آن به مبارزه برخیزند. این آیات نشان می‌دهند که جهاد به معنای مبارزه، فقط به جنگ‌های فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه شامل مبارزه با ظلم، فساد و بی‌عدالتی نیز است. به طور کلی، بررسی آیات جهاد در قرآن می‌تواند بینشی عمیق‌تر از مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی مؤمنان بدهد و نشان دهد که چگونه این آموزه‌ها در شرایط خاص تاریخی به مبارزاتی پرمعنا و تأثیرگذار تبدیل شده‌اند. این تأثیرات نه تنها به ایجاد یک جامعه اسلامی قوی کمک کرده، بلکه الگوهای سیاسی و اجتماعی را شکل داده است که هنوز هم در جوامع معاصر مورد توجه قرار دارند.

۷-۱. پذیرش صلح و اسلام

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام برمی‌دارید (و به سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید! و به خاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) بدست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند، نگویید: «مسلمان نیستی»؛ زیرا غنیمت‌های فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید؛ و خداوند بر شما مَتَّ نهاد (و هدایت شدید). پس، (به شکرانه این نعمت بزرگ) تحقیق کنید! خداوند به

آنچه انجام می‌دهید، آگاه است» (نساء: ۹۴). در این آیه، فعل امر «فَتَبَيَّنُوا» يك دستور احتیاطی برای حفظ جان افراد بی‌گناهی که ممکن است مورد اتهام قرار گیرند، بیان می‌کند، و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که در راه جهاد گام برمی‌دارید، تحقیق و جستجو کنید و به کسانی که اظهار اسلام می‌کنند، نگویید مسلمان نیستید». به این ترتیب دستور می‌دهد آنهایی را که اظهار ایمان می‌کنند، با آغوش باز بپذیرند و هرگونه بدگمانی و سوءظن را نسبت به اظهار ایمان آنها کنار بگذارند. امر «فَتَبَيَّنُوا» به صورت «فتبیتوا» نیز قرائت شده و هر دو قرائت از باب «تفعّل» و به معنای «استفعال» است، یعنی در طلب روشن شدن موضوع و ثابت شدن آن باشید و سنسجیده و بدون تفکر در کشتن کسی شتاب نکنید (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۶۴۴). آیه (۹۴) سوره نساء به وضوح به مسأله پذیرش صلح و اسلام و همچنین ضرورت احتیاط و تحقیق در زمان جهاد اشاره دارد. تحلیل سیاسی این آیه بر اهمیت درک عمیق از مفهوم صلح و احترام به اصول انسانی در هنگام برخورد با دیگران تأکید دارد. خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که در شرایط جنگ و جهاد، به اشخاصی که به صلح و اسلام دعوت می‌کنند، بی‌توجهی نکرده و آن‌ها را طرد نکنند. این دستور نه تنها بر لزوم رعایت اخلاق اسلامی تأکید دارد، بلکه به مسلمانان یادآوری می‌کند که هدف جهاد، صرفاً غنایم دنیوی نیست و نباید به بهانه‌های نادرست، خون بی‌گناهان را ریخت. بنابراین، آموزه‌های این آیه می‌تواند به عنوان مبنایی برای تقویت حقوق بشر و احترام به حیات انسانی در جوامع اسلامی و فراتر از آن، در سطح جهانی مورد استفاده قرار گیرد.

۷-۲. فرار از جنگ

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ»، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبرو شوید، به آن‌ها پشت نکنید (و فرار ننمایید)» (انفال: ۱۵). «لا» ناهیه جازمه است و «تُولُوْا» فعل مضارع مجزوم به حذف «نون»؛ «واو» ضمیر بارز در محل رفع فاعل و «هم» ضمیر متصل در محل نصب مفعول به می‌باشد. در این آیه مبارکه خداوند متعال کسانی را که در هنگامه نبرد، صحنه جنگ را ترک می‌کنند، مورد نکوهش قرار داده است. از نظر فقها، پایداری در برابر دشمن واجب بوده و فرار از آن حرام می‌باشد و قرآن مجید آن را نهی کرده است.^۱ نهی «فلا تولوهم الادبار» بیانگر حرمت فرار از مقابل دشمن است. خطاب در این آیه عام است و حرمت فرار از مقابل دشمن، اختصاصی به جنگ بدر

۱- «إِذَا اتَّقَى الصَّفَانِ وَجِبَ الثَّبَاتُ وَحَرَمَ الْهَرَبُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ» (علامه حلی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۶۴۴).

ندارد. امام رضا(ع) در بیان علت و فلسفه حرمت فرار از مقابل دشمن می‌فرماید: «خداوند متعال از آن‌رو فرار از زحف را حرام فرمود که موجب سستی در دین، کوچک شمردن پیامبران و پیشوایان عادل و ترک یاری آنان بر ضد دشمنانشان ... و جرأت یافتن دشمن بر ضد مسلمانان و پیامدهای آن یعنی کشته و اسیر شدن آنان، و از بین رفتن دین خداوند و فسادهای دیگر است» (طوسی، بی‌تا: ج ۳، ص ۴۲۱). تعبیر به «دُبَر» در تهدید فرد فراری و تعبیر به «أدبار» در نهی جمع از فرار، تأکیدی بر حرمت گناه فرار و اینکه در این گناه، فرد مانند جمع است، می‌باشد. همچنین برگزیدن این واژگان به جای واژگان «ظَهر» و «ظَهور»، برای نشان دادن زیادی زشتی فرار از مقابل دشمن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۹۷۸). البته در ادامه آیه، به نوعی جواز عقب‌نشینی تاکتیکی در میدان نبرد را داده است، چنانچه فرمود: «وَمَنْ يُولِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِنَسِ الْمَصِيرِ»، «و هر کس در آن هنگام به آن‌ها پشت کند - مگر آنکه هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم است، و چه بد جایگاهی است!» (انفال: ۱۶). بنابراین، طبق آیه فوق، فرار از مقابل دشمن، در دو مورد، از حرمت و گناه بودن استثناء شده است؛ یعنی فرار از مقابل دشمن جز در دو مورد، حرام و گناه است: نخست، «متحرِّفًا لِّقِتَالٍ» که بدین معناست که جنگجو برای فریب دشمن و اینکه به ظاهر نشان دهد فرار می‌کند، از مکانی به مکانی بهتر از نظر جنگیدن برود و آنگاه بر دشمن یورش آورد، و دوم، «متحیرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ» که بدین معناست که جنگجو توان جنگیدن با دشمن را نداشته باشد و برای کسب توان لازم به گروهی از هم‌زمان خود پیوندد، تا به اتفاق آنان با دشمن بجنگد (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ص ۸۱۳).

قرآن مجید متخلفان از جنگ را اینگونه نکوهش می‌کند: «يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأَ اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَ سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمُ وَ رَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه: ۹۴)، «هنگامی که به سوی آنها (که از جهاد تخلف کردند)، بازگردید، از شما عذرخواهی می‌کنند؛ بگو «عذرخواهی نکنید، ما هرگز به شما ایمان نخواهیم آورد! چراکه خدا ما را از اخبارتان آگاه ساخته و خدا و رسولش اعمال شما را می‌بینند؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است، بازگشت داده می‌شوید؛ و او شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه کرده و جزا می‌دهد!»). این آیه خطاب به رسول گرامی(ص) و مسلمانی که در جنگ تبوک همراه او بودند، می‌باشد. هنگامی که از جنگ به مدینه بازگشتند، منافقان در اثر تخلف، در مقام عذرخواهی برمی‌آیند که دستور داده می‌شود، در پاسخ به آنها بگویید عذرهای هیچ یک از شما پذیرفته نیست؛ زیرا پروردگار، ما را از مقاصد فاسد شما باخبر کرده است (حسینی

همدانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ص ۸۹). جمله «قُلْ لَا تَعْتَدُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ بَيَّنَّا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»، نهی از سوی خدا است که مبدا مسلمانان عذر منافقان را بپذیرند. ابن عاشور معتقد است، فعل نهی «لَا تَعْتَدُوا» دلالت بر تأییس می‌کند؛ یعنی نا امیدسازی؛ و عبارت اینگونه می‌باشد که آنان را از پذیرش عذرشان ناامید می‌سازید (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۱۰، ص ۱۸۳). در این آیات با توجه به اقتضای حال مخاطب، فعل نهی به معنای تأییس به کار رفته است. به نظر زمخشری، عبارت «لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ»، دلیل نپذیرفتن عذرخواهی است؛ زیرا باید عذرخواهی او را قبول داشته باشند، ولی در جایی که معلوم است دروغ می‌گوید، پذیرش آن وجهی ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۰۲). ابوحیان هم با گفتن همین مضمون، به هوشیاری یاران رسول خدا(ص) اشاره کرده و می‌نویسد که، دروغگویی فتنه‌گران باعث شد که آنها از قبول عذرخواهی آنها خویشتن‌داری کنند (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ج ۵، ص ۴۸۹). آیه ۱۵ سوره انفال به صراحت به موضوع فرار از میدان نبرد پرداخته و آن را به شدت نهی می‌کند. این آیه، مؤمنان را مخاطب قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد هنگام مواجهه با دشمن، از میدان جنگ فرار نکنند. براساس تفسیر آیات و روایات، فرار از نبرد نه تنها حرمت دارد، بلکه به عواقب وخیمی منجر می‌شود. این آموزه‌ها به معنای تأکید بر روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر فشارها و چالش‌های اجتماعی و سیاسی هستند. فهم عمیق این آیات می‌تواند به مسلمانان و سایر جوامع کمک کند تا در مقابل دشمنان استقامت کنند و از پیروزی‌های کوتاه‌مدت پرهیز نمایند، چراکه از دیدگاه دینی، صبر و ایستادگی از اصول کانونی در تحقق اهداف الهی و انسانی است.

۷-۳. جنگ در ماه حرام

«إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»، «تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آنها، ماه حرام است (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد). این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنابراین، در این ماه‌ها به خود ستم نکنید (و از هرگونه خونریزی پرهیزید!) و (به هنگام نبرد) با مشرکان، دسته‌جمعی پیکار کنید، همانگونه که آن‌ها دسته‌جمعی با شما پیکار می‌کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (توبه: ۳۶). «لَا تَظْلِمُوا»، «لا» ی حرف نهی. «تظلموا» فعل مضارع مجزوم است و این آیه زبان بی‌توجهی به ماه‌های حرام را مطرح می‌کند که به خود انسان‌ها بازمی‌گردد. نهی در اینجا در حکم دعوت به خیر است؛ در واقع، این‌گونه نهی‌ها به‌طور غیرمستقیم به انجام اعمال نیک اشاره دارند. به بیان دیگر، وقتی خداوند انسان‌ها را از بی‌توجهی

به ماه‌های حرام نهی می‌کند، در حقیقت آنان را به سوی پرهیزگاری و رفتاری که خیر و صلاح بیشتری در آن است، فرامی‌خواند. آیه‌ای که به ماه‌های حرام اشاره می‌کند، مفهوم عمیق‌تری از تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی را در خود دارد. در این آیه، خداوند به وضوح بر حرمت جنگ در چهار ماه حرام تأکید می‌کند و مسلمانان را به عدم ظلم و خون‌ریزی در این دوران فرامی‌خواند. این نهی به‌طور خاص به حفظ حرمت انسان‌ها در زمان‌هایی که به‌عنوان مقدس و ویژه شناخته می‌شوند، اشاره دارد. از منظر سیاسی، مفهوم ماه‌های حرام می‌تواند به عنوان ابزاری برای دیپلماسی و کاهش تنش‌ها در جوامع در نظر گرفته شود. در مواردی پیامبر (ص) و مسلمانان از ماه‌های حرام به عنوان فرصتی برای کاهش تنش‌ها و ایجاد گفتگو با دشمنان استفاده می‌کردند (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ص ۵۰). در دیدگاه فقها و مفسران، ماه‌های حرام به‌عنوان دوره‌هایی برای توقف مخاصمات و شکل‌گیری فضای گفت‌وگو میان طرفین نبرد ارزیابی شده است. نکته مهم، آتش‌بس در جنگ بوده که حتی برای چند روز یا یک روز هم دارای اثر و فایده است. در دوران جنگ‌های بیست ساله ویتنام، برای آتش‌بس یک روزه تلاش می‌کردند و این حکم، خود نشانه روح صلح‌طلبی اسلام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ج ۷: ص ۴۰۸).

۷-۴. مبارزه با طاغوت

واژه «طاغوت» در لغت به معنای طغیان و سرکشی از حق است و در اصطلاح به هر فرد یا حکومت طغیان‌گر و نامشروع اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، بی‌تا: ج ۳، ص ۹۸). طاغوت در ادبیات سیاسی اسلام، به معنای حکومت‌های نامشروع به‌کار رفته است. فقها با تقسیم طاغوت به طاغوت درونی که به بُعد اخلاقی، و طاغوت بیرونی که به بُعد سیاسی نظر دارد، بر ضرورت مبارزه با آن در هر دو مرتبه، تأکید کرده‌اند (قرشی بنایی، ۱۳۹۶: ج ۳، ص ۱۷۸). در برخی مواقع فعل بنابر مقتضای حال از معنای حقیقی و اصلی امر خارج شده و بر معنای مجازی عبرت دلالت می‌کند، مانند آیه: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» (نحل: ۳۶)، «ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدا یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!»، خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس، در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود!». در ابتدای آیه دو فعل امر «اعْبُدُوا و اجْتَنِبُوا» بر معنای حقیقی دلالت دارند. در ادامه خداوند به کفار امر نموده که «ای مشرکین و کسانی که از جاده حقیقت گمراه گردیده‌اید، در زمین سیر و مسافرت کنید و به نظر عبرت، اثر خرابی شهرستان‌های متمردين را بنگرید و ببینید

چگونه بود عاقبت و سرانجام آنهایی که پیامبران را تکذیب نمودند و نسبت‌های ناروایی به آنها دادند و از اطاعت امر خدا سرپیچی کردند» (امین، ۱۳۶۱: ج ۷، ص ۱۸۹). به اعتقاد پژوهش حاضر، دو فعل امر انتهایی دلالت بر عبرت گرفتن می‌کند. انصاری معتقد است فعل «اجْتَبُوا» دلالت بر معنای «تهدید» و «وعید» دارد (انصاری، ۱۴۱۰ق: ص ۲۵۷). پس، ظاهر آیه گرچه به صورت امر است، اما در درون موضوع مهمی را تعقیب می‌کند و آن عبرت‌آموزی از رفتار و کردار اقوام گذشته بوده و درسی که باید گرفت، آن است که سعی کنیم به سرنوشت آنها گرفتار نشویم. آیه ۳۶ سوره نحل، به موضوع مبارزه با طاغوت به عنوان نماد حکومت‌های نامشروع و طغیانی که از حق منحرف شده‌اند، می‌پردازد. خداوند در این آیه بر ضرورت عبادت او و اجتناب از طاغوت تأکید می‌کند و این نکته بسیار مهم است که مبارزه با طاغوت هم به صورت درونی و هم بیرونی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادبیات سیاسی اسلام، طغیان به معنای نادیده گرفتن حق و سرکشی از اصول اساسی و الهی است. این مفهوم در خود جنبه‌ای از مقاومت و بازدارندگی را در برابر ظلم و فساد حکومت‌های مستبد و نامشروع دربردارد. فقها معمولاً طاغوت را به دو دسته تقسیم می‌کنند: طاغوت درونی که به ابعاد اخلاقی و فردی اشاره دارد و طاغوت بیرونی که به بُعد سیاسی و اجتماعی مربوط است. این تقسیم‌بندی اهمیت مبارزه با هر دو نوع طاغوت را در جوامع اسلامی مورد تأکید قرار می‌دهد. فعل امر در این آیه، یعنی «اعْبُدُوا» و «اجْتَبُوا»، به مؤمنان دستور می‌دهد که علاوه بر پرستش خداوند، از طغیان و ظلم دوری گیرند. در ادامه آیه، خداوند به همگان دستور می‌دهد تا در زمین سیر کنند و از عاقبت کسانی که پیامبران را تکذیب کردند، عبرت بگیرند. این دعوت به تفکر و عبرت از گذشته، می‌تواند به عنوان یک ابزار برای تأمل در وضعیت کنونی جوامع اسلامی نیز مطرح شود، به‌ویژه زمانی که با چالش‌ها و تهدیدات جدید مواجه هستند. جنبه تهدیدآمیز فعل «اجْتَبُوا» نیز به مفهوم عواقب وخیم دوری نکردن از طاغوت اشاره دارد. این تأکید بر عواقب گمراهی، یادآور آن است که «از کجا آمده‌ایم و چگونه می‌توانیم در برابر طغیان مقاومت کنیم».

۸. نتیجه‌گیری

این تحقیق با تحلیل اسلوب‌های امر و نهی در آیات جهاد، به بررسی معانی ثانویه این اسلوب‌ها و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن‌ها در شکل‌دهی به سیاست‌های اسلامی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که آیات جهاد در قرآن کریم، فراتر از مفاهیم نظامی، بر ابعاد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی تأکید دارند. اسلوب‌های امر و نهی در این آیات، نه تنها دستورات الهی را بیان می‌کنند، بلکه معانی عمیق‌تری را دربردارند که به فهم بهتر جهاد به عنوان ابزاری برای تحقق عدالت، دفاع از مظلومان و برقراری صلح کمک می‌کنند.

از جمله مهم‌ترین معانی ثانویه استخراج شده، می‌توان به ضرورت برقراری عدالت سیاسی، حمایت از حقوق مستضعفان و کاهش تنش‌های سیاسی از طریق ابزارهایی مانند ماه‌های حرام اشاره کرد. این مفاهیم نشان می‌دهند که جهاد در قرآن، تنها به معنای جنگ فیزیکی نیست، بلکه ابزاری برای احقاق حقوق انسانی و ایجاد توازن در جوامع اسلامی است. یافته‌های این تحقیق می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر اصول اسلامی و انسانی در جوامع معاصر مورد استفاده قرار گیرد. به‌ویژه در شرایطی که جوامع اسلامی با چالش‌های امنیتی و سیاسی مواجه هستند، این مفاهیم می‌توانند به عنوان ابزاری برای تقویت دیپلماسی، کاهش تنش‌ها و ایجاد گفت‌وگوهای سازنده به کار گرفته شوند. در نهایت، تحلیل معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی در آیات جهاد، نه تنها به درک عمیق‌تر از مفاهیم قرآنی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان راهنمایی برای ایجاد عدالت سیاسی، حمایت از حقوق اقلیت‌ها و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع اسلامی و فراتر از آن مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش زمینه را برای تحقیقات آینده در حوزه‌های تطبیقی، تاریخی و کاربردی در سیاست‌گذاری‌های معاصر فراهم می‌کند.

تحقیقات آینده می‌توانند بر روی موارد زیر تمرکز کنند:

- **مطالعه تطبیقی:** مقایسه آموزه‌های قرآنی درباره جهاد با متون دینی دیگر ادیان برای درک بهتر اشتراکات و تفاوت‌ها در نگاه به جنگ و صلح از منظر سیاسی.

- **تحلیل تاریخی:** بررسی تأثیرات معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی بر تحولات سیاسی و اجتماعی در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام، به‌ویژه در جوامعی که با چالش‌های سیاسی مواجه بوده‌اند.

- **کاربردهای عملی در سیاست‌گذاری:** بررسی چگونگی استفاده از این مفاهیم در سیاست‌گذاری‌های معاصر، به‌ویژه در جوامعی که با چالش‌های امنیتی و سیاسی مواجه هستند.

در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که تحلیل معانی ثانویه اسلوب‌های امر و نهی در آیات جهاد، نه تنها به فهم بهتر مفاهیم قرآنی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای ایجاد عدالت سیاسی، تقویت دیپلماسی اسلامی و کاهش تنش‌ها در جوامع اسلامی و فراتر از آن مورد استفاده قرار گیرد. این یافته‌ها می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر اصول اسلامی و انسانی در جوامع معاصر به کار گرفته شوند.

منابع

قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق). *التحریر و التتویر*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ج ۱۰.
- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. تحقیق محمد جمیل صدقی. بیروت: دارالفکر، ج ۵.
- ابی مسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳م). *تفسیر ابی مسعود، ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*. بیروت: دار احیا التراث العربی، ج ۴.
- امین، سیده نصرت (۱۳۶۱). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*. تهران: نهضت زنان مسلمان، ج ۷.
- انصاری، یوسف عبدالله (۱۴۱۰ق). *اسالیب الامر و النهی فی القرآن کریم و اسرار البلاغیه*. القاهرة: جامعه ام القرى.
- پورفرد، مسعود (۱۳۹۲). *وحدت و همبستگی سیاسی از منظر قرآن*. سیاست متعالیه، ۱(۲۱): ص ۴۸-۲۹.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. تحقیق باقر یهودی. تهران: کتابفروشی لطفی، ج ۸، ۱۰.
- حلّی، حسن بن یوسف (علامه حلّی) (۱۴۱۹ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ج ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). *مفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالقلم، ج ۳.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتاب العربی، ج ۲، چاپ سوم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۹، ۳، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ج ۱-۲، ۴-۵.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیا التراث العربی، ج ۳.
- عبداللهیان، زکّیه (۱۳۹۵). *تفکر سیاسی در قرآن*. بینات، ۸۹(۲۳): ص ۱۷۹-۱۹۸.
- فخر رازی، ابو عبدالله (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۶، چاپ سوم.
- قاضیان، مهدی؛ ذوقی، محمدصادق (۱۳۹۹). *حقوق بشر دوستانه اسلامی: تحلیلی محتوایی و کارکردی آیات جهاد با تاکید بر فقه امامیه*. علوم انسانی/اسلامی، ۱(۲۳): ص ۵۵-۶۹.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۹۶). *تفسیر احسن الحدیث*. قم: دفتر نشر نوید اسلام، ج ۳، چاپ دوم.
- قیصری، رجبعلی (۱۴۰۳). *نگاهی به مفهوم عدالت و قسط در قرآن*. در: کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- کرمی میرعزیزی، بیژن؛ بابازاده اقدم، عسگر؛ بهرامی، شبنم؛ قاسم پورگنجعلو، زهرا (۱۳۹۵). *معناشناسی واژه «جهاد» در قرآن کریم*. سراج منیر، ۲۳(۷): ص ۱۲۹-۱۵۰.
- کریمی، محمود؛ بخشی، محمدرضا (۱۳۹۹). *مفهوم شناسی جهاد کبیر در قرآن کریم و تبیین عرصه های آن*. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۸(۲): ص ۱۸۷-۲۰۶.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲). *تفسیر نمونه*. دارالکتب الاسلامیه، ج ۷.
- ملکی، علی (۱۳۹۸). *رابطه دین و سیاست از دیدگاه شیعه امامیه (با تاکید بر دکترین مهدویت از منظر قرآن و روایات)*. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۳۷(۱۰): ص ۱۴۱-۱۶۸.